

اعتبار سنجی معامله‌ی همراه با کم فروشی (تطفیف)

دکتر غلامرضا یزدانی

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران

dr.yazdani@razavi.ac.ir

چکیده

تطفیف و کم فروشی، از اعمال حرام شرعی است. از این رو، هرگاه موضوع معامله‌ای، کم فروشی باشد، بدون تردید این قرارداد باطل خواهد بود. ولی در مواردی که قرارداد از حیث مقدار مشخص بوده ولی در وقت تسلیم به خاطر کم فروشی یکی از طرفین، کمتر از آن مقدار در می‌آید، در صحت آن، تردید وجود دارد؛ برخی از محققین چنین معامله را صحیح دانسته و کم فروش را ضامن مقدار کم دانسته‌اند. در مقابل، برخی بر این اعتقادند که چنین قراردادی، صحیح ولی طرف متضرر، خیار تبعض صنفه دارد و در نهایت برخی بین معامله نسبت به شیء ربوی و غیر ربوی تفصیل داده‌اند. در پژوهش حاضر که مبتنی بر روش توصیفی — تحلیلی است، این نتیجه به دست آمده است که هرگاه موضوع معامله، کلی باشد، کم فروشی باعث بطلان قرارداد نبوده ولی کم فروش، ضامن مقدار کسری است و هرگاه موضوع قرارداد، عین معین باشد، اگر مقدار شرط عوض قراردادی باشد، چنانچه موضوع قرارداد مال ربوی باشد، قرارداد باطل و الا صحیح است ولی طرف متضرر، خیار تخلف شرط خواهد داشت و اگر کالای موضوع قرارداد، غیر ربوی باشد، معامله در هر حال صحیح است و طرف متضرر حسب مورد، خیار تخلف شرط یا وصف خواهد داشت، مگر اینکه مقدار به عنوان توزیع ثمن بر مبیع لحاظ شده باشد که در این صورت، قرارداد نسبت به مقدار موجود صحیح بوده و نسبت به مقدار کسری، باطل است.

کلید واژه: تطفیف، کم فروشی، بخش در مکیال و وزن، نقصان قیمت

«ویل للمطففین»

قانون مدنی در مواد ۲۱۴ تا ۲۱۶ به طور ناقص به شرایط مورد عقد پرداخته است و این نقصان در مواد دیگر قانون مدنی مثل ماده ۳۴۸، ۱۰۶۴ و ... قانون مدنی به نوعی بر طرف شده است. در مجموع می توان گفت نظر قانون مدنی، مورد معامله باید دارای شرایط زیر باشد: موجود بودن، مالیت داشتن، معین بودن، معلوم بودن، مقدورالتسلیم بودن، قابل تملک بودن، مملوک انتقال دهنده بودن. منتهی در مراجعه به فقه دریافت می شود که فقها شرط دیگری را نیز در موضوع قرارداد معتبر می دانند و آن شرط آن است که هرگاه موضوع قرارداد فعلی از افعال است باید آن فعل، مشروع و مجاز باشد و از این رو، افعال حرام، نمی تواند موضوع معامله، قرار گیرند. از این رو، قراردادهایی که موضوع آنها، تدلیس، تزئین الرجل بما یحرم علیه، مجسمه سازی و ... است طبق دیدگاه کسانی که این افعال را حرام می دانند، با مشکل مواجه است. از جمله مواردی که در اعتبار آن، تردید وجود دارد، قراردادهای همراه با تطفیف و کم فروشی است. گروهی از محققین حکم به بطلان این دسته از قراردادهای داده اند و البته جمعی از محققین، «تطفیف» را در مکاسب محرمه بیان نکرده اند. شاید علت آن باشد که آنچه در مکاسب محرمه عموماً محور بحث است، افعالی است که شخص با کمک آنها، اقدام به درآمد زایی می کند نظیر تنجیم و ... ولی تطفیف، فی نفسه حرام است نه اینکه با کمک این فعل، شخص اقدام به انجام معامله حرام نماید و لذا شیخ انصاری می فرماید کسانی که تطفیف را در مکاسب محرمه ذکر کرده اند احتمالاً بحث استطرادی طرح کرده اند.^۲

کم فروشی که در فقه از آن به «تطفیف» یاد می شود، به شدت مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته و در روایات متعدد نیز هشدارهای جدی از این کار شده است.

پیش از ورود به بحث، پیشینه نوشته کنونی مورد اشاره قرار می گیرد. در خصوص موضوع کنونی، پژوهش هایی انجام شده است. از جمله مقاله ای با عنوان «تطفیف (کم فروشی)» که توسط سید محسن خرازی نوشته شده و در سال ۱۳۸۳ در مجله فقه اهل بیت ع چاپ شده است. در این نوشته، نویسنده محترم ضمن اشاره خوب به حکم تکلیفی مساله، در خصوص وضعیت معامله مبتنی بر تطفیف، پژوهش کاملی انجام نداده و مباحث را با تکیه بر دیدگاه مرحوم آیه الله خوئی، صرفاً سامان داده است. مقاله دیگری با عنوان «بررسی فقهی کم فروشی در معاملات» توسط علی اکبر ایزدی فرد در مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی در شماره یک مجله به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده محترم مطالب را با تکیه بر آثار اجتماعی — اقتصادی،

۱. مفید، مقتعه، ۵۸۶؛ طوسی، نهایی، ۳۶۳؛ محقق اول، شرایع، ۵/۲ و مختصر النافع، ۱۱۶/۱ و نکت النهایه، ۹۹/۲؛ علامه حلی، ارشادالآذهان، ۳۵۷/۱؛ شهید اول، غایه المراد، ۸/۲؛ شهید اول، لمعه، ۵۶؛ شهید ثانی، حاشیه الارشاد، ۸/۲ و رو ضه، ۲۰۶/۳ و مسالک، ۱۲۶/۳؛ اردبیلی، مجمع الفائده، ۲۸/۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ۴۱/۲۲؛ اصفهانی، سید ابوالحسن. وسیله النجاة. ۳۱۸؛ بحرانی، حدائق الناظره، ۲۰۰/۱۸؛ حکیم، سید محسن. منهاج الصالحین، ۵/۲؛ حکیم، سید محمد سعید، منهاج الصالحین. ۱۸/۲؛ خمینی، تحریر الوسیله، ۴۹۳/۱.

۲. انصاری، مکاسب، ۱۹۹/۱.

تطفیف، سامان داده است. مقاله دیگری با عنوان «قلمرو کم فروشی در فقه و حقوق ایران»، توسط دکتر حمید محمدی راد نوشته شده و در مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. در این مقاله نگاه نویسنده به قلمرو کم فروشی است و نویسنده محترم در صدد اثبات این امر است که کم فروشی اختصاص به بیع نداشته و در حوزه های کاری، حقوقی، عبادی و ... نیز کم فروشی، حرام است. ولی در نوشته کنونی، تکیه بحث بر حکم وضعی و معاملات ناشی از کم فروشی است. امری است که در پژوهش های پیش گفته، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقاله پیش رو، ابتدا مفهوم تطفیف، مورد بررسی قرار گرفته و سپس ادله حرمت تکلیفی به اختصار مورد اشاره قرار می گیرد تا صغری استدلال تثبیت گردد و سپس به بررسی وضعیت اعتبار این نوع معاملات پرداخته می شود.

۱- مفهوم تطفیف در لغت و اصطلاح:

تطفیف «طفّ» (طفف) مشتق شده است. طفّ در لغت به معنای چیز کم است و تطفیف یعنی نقص در کیل و میزان.^۳ به دیگر سخن، تطفیف یعنی کسی در پیمان و وسیله سنجش کالا نقصان ایجاد کند حال یا به این شکل که پیمان را کوچک کند و یا پیمان را پر نکرده و در آن نقصان ایجاد نماید.^۴ و در اصطلاح تطفیف یعنی کم فروشی در کیل و وزن است.^۵ بلکه گفته شده است مفهوم تطفیف، یعنی کم فروشی اعم از اینکه در مکیل و موزون بوده و یا در معدودات.^۶

کم فروشی که موضوع حکم حرمت و سایر احکام وضعی است، صرفاً نقصان در کیل و وزن نیست، بلکه آن است که عنوان ظلم و خیانت عرفاً بر آن بار شود.^۷ از این رو، آن قسم از کم فروشی که ظلم و خیانت محسوب و موضوع حکم حرمت است، حرمت نفسی دارد، نه غیری.^۸ چرا در ادله شرعی از جمله آیه اول سوره مطففین، نفس تطفیف مورد ویل و وعید قرار گرفته است.^۹ از این رو، اگر متعلق بیع، مال کلی فی المعین باشد و فروشنده هنگام تسلیم، بخشی از مبیع را تسلیم نکند، بدون تردید، عمل وی مصداق تطفیف و کم فروشی است. و انگهی به نظر می رسد، کم فروشی اختصاص به مکیل و موزون نداشته و شامل معدودات نیز می شود و اینکه در لغت و عبارات برخی از علما، کم فروشی مقید به کم فروش در کیل یا وزن شده است، از باب تقیید موضوع به فرد شایع است.^{۱۰} یا اگر هم کم فروشی موضوعاً، اختصاص به کم فروشی در مکیل و موزون باشد،

۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۰۵/۳: «طف» الطاء والفاء يدل على قلة الشيء يقال هذا شيء طفيف ويقال إناء طفان أي ملآن و التطفيف نقص المكيال و الميزان قال بعض أهل العلم إنما سمي بذلك لأن الذي ينقصه منه يكون طفيف أو يقال لما فوق الإناء الطفاف و الطفافة».

۴. زمخشری، اساس البلاغه، ۵۸۸: «و طفافه و طففه و طفه مقدارها الناقص عن ملئه و في الحديث كلکم بنو آدم طف الصاع لم تملؤوه قال جندب بن ضمره لنا صاع إذا كلنا طفاف * نطففها ونوفي للوفي و طفف المكيال و شيء طفيف قليل و ما بقي في الإناء إلا طفافة شيء يسير وأطف له السيف و غيره أهوى به إليه و غشيه به قال عدي أطف لأنفه الموسى قصير ليجدعه و كان به ضنيناً».

۵. حلبی، الکافی فی الفقه، ۲۸۱؛ ابن براج، المذهب، ۳۴۵/۱.

۶. خویی، مصباح الفقاهة، ۲۴۳/۱.

۷. کنز العرفان، ج ۲، ص ۴۰؛ سید عاملی، مفتاح الکرامه، ۲۹۹/۱۲؛ کاشف الغطاء، شرح الشيخ جعفر علی قواعد العلامة، ۷۴.

۸. ایروانی، حاشیه المکاسب، ۲۲/۱؛ خویی، موسوعة الامام الخوئی، ۳۷۸/۳۵.

۹. خوانساری، الحاشیه الثانية علی المکاسب، ۲۷؛ برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید به: ایروانی، حاشیه المکاسب، ۲۲/۱.

۱۰. خویی، مصباح الفقاهة، ۲۴۳/۱.

۱۰. خوانساری، الحاشیه الأولى علی المکاسب، ۷؛ یزدی، حاشیه المکاسب، ۲۲/۱؛ خویی، مصباح الفقاهة، ۲۴۴/۱؛ منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمة، ۹/۳.

حداقل حکم تطفیف و کم فروشی شامل کم فروشی در معدودات هم می شود.^{۱۱}

نکته دیگری که در خصوص مفهوم کم فروشی باید مد نظر قرار گیرد، تاثیر یا عدم تاثیر قصد و علم در تحقق عنوان تطفیف و کم فروشی است؛ در حقیقت این سوال مطرح است که برای تحقق عنوان کم فروشی، آیا قصد و علم شرط است یا خیر؟ برای پاسخ به این سوال باید قصد و علم، کم فروش از یک سو و علم و جهت متضرر از سویی دیگر، مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد نسبت به شخص کم فروش، علم و صدق وی در تحقق مفهوم کم فروشی، اخذ نشده است؛ یعنی برای تحقق کم فروشی و تطفیف، لازم نیست شخص کم فروشی را با قصد انجام دهد. و اگر شخص بدون قصد و علم، مرتکب کم فروشی شود، عنوان تطفیف بر آن صدق کرده ولو ممکن است به خاطر جهل، عمل وی حکم تکلیفی حرمت را نداشته باشد ولی احکام وضعی مترتب بر کم فروشی نسبت به آن، اعمال می شود. این مطلب از ظاهر فرمایش علامه حلی در کتاب نهاییه قابل استفاده است. ایشان در نهاییه می نویسند: «تطفیف در کیل و وزن حرام است... و شایسته نیست کسی که آشنایی به کیل و وزن نیست متصدی اندازه گیری شود تا مبتلا که کسر یا زیادی نگردد.»^{۱۲}

از طرف متضرر نیز ظاهراً وضعیت مشابهی بر قرار است؛ یعنی علم و جهل وی به اینکه طرف مقابل، مرتکب کم فروشی شده است، در تحقق عنوان تطفیف نقشی ندارد، ولو برخی خلاف آن را اظهار کرده اند.^{۱۳} از این رو، اگر متضرر، آگاه باشد که طرف مقابل کمتر از آنچه در قرارداد توافق شده است به وی تسلیم می کند، باز هم عنوان تطفیف و کم فروشی، محقق است. منتهی اگر متضرر با وجود علم و آگاهی از کم فروشی، اقدام به معامله کند، چنانچه وی ناچار از انجام معامله باشد، اینجا تطفیف صدق می کند ولی اگر وی ناچار به معامله نبوده و با اراده آزاد مرتکب معامله شده باشد، در این صورت، اقدام وی به معامله، ظهور در اسقاط حق دارد.

۲- حکم تکلیفی تطفیف و کم فروشی

بدون تردید از نظر حکم تکلیفی، کم فروشی و تطفیف، حرام است^{۱۴} و بلکه چه بسا از گناهان کبیره باشد.^{۱۵} چرا که وعده عذاب بر آن داده شده است^{۱۶} دلیل بر حرمت تکلیف آن از یک سو آیات قرآنی است نظیر آیه شریفه: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ. الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ. وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ. لِيَوْمٍ عَظِيمٍ.»^{۱۷} و نیز آیه شریفه: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ. وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ. وَلَا تَبَخَّسُوا النَّاسَ أَمْثَالَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ

۱۱. انصاری، مکاسب، ۹۷/۱: «ثم إن البخس في العد والذرع - يلحق به حكما وإن خرج عن موضوعه.»؛ راوندی، فقه القرآن، ۵۵/۲.

۱۲. علامه حلی، نهاییه، ۴۷۳/۲.

۱۳. کاشف الغطاء، انوار الفقاهه؛ کتاب مکاسب، ۱۵۱/۸: «و هو تنقيص الكيل والوزن في باب المعاوضة أو تنقيص كل مقدر مع جهل القابض بنقصانه نقصاناً يخل في باب المعاوضة.»

۱۴. حلی، الکافی فی الفقه، ۲۸۱؛ ابنبراج، المذهب، ۳۴۵/۱؛ ابنادریس، السرائر، ۲۱۶/۲؛ علامه حلی، تحریر الاحکام، ۲۶۲/۲ و تذکره، ۱۴۸/۱۲ و قواعد الاحکام، ۱۰/۲ و نهاییه، ۴۷۳/۲؛ فخرالمحققین، ایضاح القواعد، ۴۰۷/۱؛ شهید اول، دروس، ۱۷۵/۳؛ سیدعاملی، مفتاح الکرام، ۲۹۹/۱۲؛ شیخانصاری، مکاسب، ۱۹۹/۱؛ کرکی، جامع المقاصد، ۳۵/۴.

۱۵. منظور از گناه کبیره، گناهی است که وعده عذاب بر آن داده شده باشد. همچنانکه از خطبه نخست نهج البلاغه این معنی استفاده می شود: «من کبیر اوعَدَ علیه نیرانه»

۱۶. شهید اول، دروس، ۱۷۵/۳؛ کاشف الغطاء، انوار الفقاهه؛ کتاب مکاسب، ۱۵۱/۸.

۱۷. مطففین، آیه ۱.

مُفْسِدِينَ.» و آیه شریفه: «يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» و آیه شریفه: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ. وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ.»

و از سویی دیگر، حکم قطعی عقل است مبنی بر قبیح بودن ظلم به دیگران؛ چرا که کم فروشی، ظلم به دیگری است.^{۱۸} علاوه بر این، اجماع بر حرمت کم فروشی وجود دارد.^{۱۹} و بلکه برخی از محققین ادعای اتفاق جمیع مسلمین کرده اند.^{۲۰} در کنار سه دلیل قبلی، روایات متعددی نیز دلالت بر حرمت کم فروشی می کنند. کثرت این روایات به حدی است که برخی ادعای تواتر نموده اند.^{۲۱}

از جمله این روایات، صحیححه محض الاسلام است که در این روایت، امام هشتم ع می فرمایند: «محض اسلام، شهادت به وحدانیت خداوند و ... و اجتناب از گناهان کبیره است که عبارتند از قتل نفس که خداوند تعالی آن را حرام کرده است، زنا، سرقت، شرب خمر، عاق والدین شدن ... و کم فروشی در کیل و وزن ...»^{۲۲}

همچنین صحیححه حرمان بن اعین است. در این روایت امام صادق (ع) می فرمایند: «رَأَيْتُ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمَ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ، أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ كَثِيبًا حَزِينًا يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ.»^{۲۳}

در این روایت، حضرت ع کم گذاشتن در کیل و وزن را گناه عظیم شمرده است.

صحیححه ابو حمزه از امام باقر (ع) است. در این روایت حضرت (ع) می فرمایند: «إذا ظهر الزنا كثر موت الفجأة وإذا طفف المكيال أخذهم الله بالسنين والنقص وإذا منعوا الزكاة منعت الأرض بركاها من الزرع والثمار والمعادن كلها وإذا جاروا في الأحكام تعاونوا على الظلم والعدوان وإذا نقضوا العهود سلط الله عليهم عدوهم.»^{۲۴}

با توجه به اینکه آثار شدیدی که بر کم فروشی در این روایت بیان شده است و نیز به قرینه سیاق، به موجب این روایت، کم فروشی، حرام است.

اما از نظر حکم و ضعی، معاملات موضوع کم فروشی و تطیف از دو جهت محل بحث قرار می گیرد. یکی بررسی اعتبار معامله ای که در آن، کم فروشی رخ داده است و دیگری بررسی اعتبار قراردادی که برای کم فروشی منعقد می شود. در ادامه این دو معامله به طور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱۸. عاملی، مفتاح الکرامه، ۲۹۹/۱۲؛ کاشف الغطاء، شرح الشيخ جعفر علی قواعد العلامة، ۷۴؛ انصاری، مکاسب، ۱۹۹/۱؛ یزدی، حاشیه المکاسب، ۲۲/۱؛ خویی، مصباح الفقه، ۲۴۳/۱؛ مکارم شیرازی، أنوار الفقه، کتاب التجارة، ۱۸۵.

۱۹. علامه، حلی، تذکره، ۱۴۸/۱۲؛ عاملی، مفتاح الکرامه، ۲۹۹/۱۲؛ کاشف الغطاء، شرح الشيخ جعفر علی قواعد العلامة، ۷۴؛ انصاری، مکاسب، ۱۹۹/۱.

۲۰. خویی، مصباح الفقه، ۲۴۲/۱؛ مکارم شیرازی، أنوار الفقه، کتاب التجارة، ۱۸۵.

۲۱. منتظری، در اساتفی المکاسب المحرمة، ۱۱/۳.

۲۲. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱۲۹/۲: «سئل المأمون علي بن موسى الرضا عليهما السلام أن يكتب له محض الاسلام على سبيل الايجاز والاختصار فكتب عليه السلام له أن محض الاسلام شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له إليها وحده صمدا ... واجتناب الكبائر وهي قتل النفس التي حرم الله تعالى والزنا والسرقة وشرب الخمر وعقوق الوالدين ... والبخس في المكيال والميزان ...»

۲۳. کلینی، الکافی، ۱۱۳/۱۵.

۲۴. صدوق، الأمالی، ۳۸۵/۱.

۳- اعتبار سنجی معامله موضوع کم فروشی

معامله‌ای که در آن شخص مرتکب کم فروشی شده است از نظر صحت و بطلان، چه وضعیتی دارد؟ مثلاً شخصی ده کیلو برنج به دیگری می‌فروشد ولی نه کیلو به وی تسلیم می‌کند و یک کیلو، کم فروشی می‌کند. این معامله صحیح است یا خیر؟ در پاسخ به این سوال برخی از محققین حکم به صحت معامله و ضمان کم فروش کرده‌اند.^{۲۵} بدین معنا که معامله‌ای که در آن کم فروشی رخ داده است، صحیح است ولی شخصی که مرتکب کم فروشی شده است، به همان میزان، ذمه‌اش مشغول بوده و باید از عهده آن برآید. برخی دیگر از محققین در این مورد، حکم به صحت معامله داده‌اند و برای متضرر، خیار تبعض صفقه قائل شده‌اند؛^{۲۶} بدین جهت که در این معامله، مبیع بعض بعض شده است؛ چرا که وقتی موضوع قرارداد ده کیلو گندم بوده ولی در آنچه در خارج وجود داشته و به خریدار تسلیم شده است، نه کیلوست، در حقیقت، نسبت به بعض مبیع (نه کیلو) بیع صحیحاً واقع شده و نسبت به بعض مبیع (یک کیلو) بیع واقع نشده است. و لذا خریدار خیار تبعض صفقه دارد.

با وجود این، به نظر می‌رسد، در تمامی معاملاتی که در آنها کم فروشی رخ داده است، نمی‌توان حکم واحدی داد و بلکه مساله دارای صوری است که باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. در حقیقت، برای پاسخ به این سوال باید بین معامله‌ی شیء ربوی و غیر ربوی، فرق گذاشته و حکم هر کدام جداگانه مورد بررسی قرار گیرد؛ چرا که موضوع قراردادی که در آن کم فروشی رخ داده است، گاهی کالای ربوی (اشیای مکمل یا موزون) است و گاهی غیر ربوی است و حکم این دو با هم یکسان نیست؛ از این رو، ابتدا وضعیت معامله کالای غیر ربوی بررسی می‌شود و سپس معامله کالای ربوی. این تفصیل برای نخستین بار توسط شیخ انصاری در مکاسب انجام شده است^{۲۷} و پس از آن مورد توجه سایر محققین قرار گرفته است.

۳-۱ کم فروشی در معامله مال غیر ربوی

در مواردی که موضوع قرارداد، کالای غیر ربوی (غیر مکمل و موزون) باشد، در این صورت ممکن است قرارداد به نحوی کلی فی الذمه یا به صورت عین معین باشد. حکم هر کدام، متفاوت است. از این رو، در ادامه هر کدام به طور مجزا، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. کم فروشی مال غیر ربوی به صورت کلی در ذمه

گاه مورد قرارداد، مال غیر ربوی بوده و قرارداد به صورت کلی در ذمه منعقد می‌شود ولی متعهد در زمان تسلیم کالا، مرتکب کم فروشی و تطفیف می‌شود. مثلاً شخصی ده عدد پیراهن کلی را به مبلغ ۱۰ میلیون تومان به دیگری می‌فروشد. ولی فروشنده در زمان تسلیم کالا به جای ده عدد پیراهن، مقدار کمتری به خریدار تسلیم کرده و مرتکب تطفیف می‌شود. در این صورت، به نظر می‌رسد قرارداد صحیح بوده ولی ذمه فروشنده نسبت به مقداری که کم فروشی کرده است، مشغول می‌باشد.

۲۵. علامه‌حلی، نهایه الاحکام، ۴۷۳/۲.

۲۶. کاشف الغطاء، انوار الفقاهه؛ کتاب المکاسب، ۷۴.

۲۷. انصاری، مکاسب، ۱۹۹/۱.

خریدار می تواند مقدار کسری را مطالبه نماید.^{۲۸} دلیل صحت قرارداد این است که هنگام عقد، تمامی شرایط صحت، مهیا بوده و قرارداد به همان شکلی منعقد شده است که مورد اراده طرفین بوده است. منتهی فروشنده هنگام اجرای قرارداد، نقض عهد کرده و مقداری که تسلیم خریدار می کند، کمتر از مقداری است که مورد توافق بوده است.

۲. کم فروشی مال غیر ربوی به صورت عین معین

گاهی مورد معامله، عین معین (عین شخصی) است. مثلاً یک جعبه تخم مرغ نزد فروشنده است. فروشنده اعلام می کند که این جعبه تخم مرغ ده عدد تخم مرغ دارد را به مبلغ صد هزار تومان به شما می فروشم و بعد از معامله مشخص می شود که جعبه، حاوی نه عدد تخم مرغ بوده است. در این صورت، حکم این قرارداد به چه شکل خواهد بود؟ برای پاسخ به سوال فوق، باید بین سه صورت، فرق گذاشت؛ چرا که «مقدار» گاهی به صورت شرط در عقد مد نظر طرفین است و گاهی به نحو وصف و گاهی مقدار، اماره تقسیط است.

اول: شرط بودن مقدار

گاهی مقداری که در معامله ذکر می شود به صورت شرط برای یکی از عوضین مورد لحاظ طرفین قرار می گیرد. نظیر اینکه فروشنده، جعبه تخم مرغ حاضر را به شرطی که ده عدد باشد به خریدار در مقابل صد هزار تومان می فروشد و بعد از عقد مشخص می شود که مقدار مبیع، نه عدد است. در این صورت، آنچه موضوع قرارداد است، جعبه حاضر است ولی طرفین برای آن شرط و تعهد ضمنی هم ذکر کرده اند؛ در این مورد به نظر می رسد، عقد صحیح بوده ولی خریدار به جهت تخلف، شرط، خیار تخلف شرط داشته باشد؛^{۲۹} چرا که شرط حاضر، شرط صفت بوده و تخلف از آن اصولاً باعث بطلان قرارداد نمی شود بلکه صرفاً باعث ایجاد خیار تخلف شرط می شود. قانون مدنی در ماده ۲۳۵ به ضمانت اجرای تخلف شرط صفت اشاره کرده است و مقرر نموده است: «هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده است خیار فسخ خواهد داشت.»

دوم: وصف بودن مقدار

گاهی مقداری که در معامله ذکر می شود به صورت وصف برای یکی از عوضین مورد لحاظ طرفین قرار می گیرد. نظیر اینکه فروشنده اعلام می کند این جعبه تخم مرغ که حاوی ده عدد تخم مرغ است را به صد هزار تومان به شما فروختم و بعد از عقد مشخص می شود که جعبه، صرفاً حاوی نه عدد است. در این مورد، مقدار به عنوان وصف خاص مورد معامله بوده است. در این مورد برخی از محققین بر این اعتقادند که چنین قراردادی، باطل و بلا اثر است؛^{۳۰} چرا که ما وقع لم یقصد و ما قصد لم یقع؛ بدین توضیح که آنچه طرفین آن را قصد کرده بودند، جعبه حاوی ده عدد بوده ولی آنچه در خارج وجود داشته و موضوع عقد قرار گرفته است، جعبه حاوی نه عدد است. با وجود این، به نظر می رسد در این فرض نیز معامله صحیح باشد؛^{۳۱} چرا که تخلف و وصف عارضی باعث عدم صدق عنوان نمی شود. بلکه وصف آن، تخلف شده است. تخلف از وصف یکی از

۲۸. ایروانی، حاشیه المکاسب، ۲۳/۱؛ خویی، مصباح الفقه، ۲۴۲/۱؛ تبریزی، ارشاد الطالب، ۱۳۴/۱.

۲۹. خونی، مصباح الفقه، ۲۴۵/۱؛ ایروانی، حاشیه المکاسب، ۲۲/۱.

۳۰. ایروانی، حاشیه المکاسب، ۲۳/۱.

۳۱. مکارم شیرازی، أنوار الفقه: کتابالتجارة، ۱۸۶.

عوضین، خیار تخلف وصف برای متضرر ایجاد می کند. ماده ۴۱۰ قانون مدنی در این خصوص مقرر نموده است: «هرگاه کسی مالی را ندیده و آنرا فقط به وصف بخرد بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد مختار می شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید.»

سوم: تقسیط بودن مقدار

گاهی هدف طرفین از ذکر مقدار آن است که ثمن را بر آن توزیع کنند. مثلاً در نظر طرفین هر عدد تخم مرغ، معادل ده هزار تومان است. حال طرفین که مقدار مشخصی مثلاً ده عدد را در قرارداد بیان می کنند، هدف شان آن است که به ازای هر ده هزار تومان، یک عدد تخم مرغ قرار گیرد. در صورتی که مبیع کمتر از مقدار شرط شده باشد، بیع نسبت به مقدار موجود صحیح بوده و نسبت به مقدار ناقص، بیع باطل خواهد بود. نظیر بیع مالایاکل و بیع ماکول.^{۳۲} این حکم را می توان از ملاک ماده ۳۸۴ قانون مدنی نیز استفاده کرد: «هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیه حصه ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است.»

البته برخی از محققین حکم به فساد بیع داده اند.^{۳۳} ظاهراً علت حکم به فساد آن است که تصور ایشان از شرط تقسیط با آنچه سایر محققین گفته اند و در فوق بیان شد، متفاوت بوده است. تصور ایشان از شرط تقسیط آن است که در مقابل همین شرط مقدار، بخشی از ثمن قرار گرفته باشد. مثلاً آقای الف، یک کیسه نه کیلویی گندم داشته و آن را به شرط ده کیلو در مقابل یک کیسه گندم ده کیلویی می فروشد و قصد و لحاظش آن است که مبیع عبارت از گندم های موجود (نه کیلو) و شرط مقدار باشد. به گونه ای که یک کیلو از ثمن در مقابل همین شرط مقدار قرار گیرد.

۲-۳ کم فروشی در معامله ربوی

فرض دوم بحث جایی است که کم فروشی در معامله اشیای ربوی رخ می دهد؛ بدین معنا که معامله نسبت به کالایی است که هرگاه کم فروشی رخ دهد، ربا لازم می آید. نظیر اینکه ده کیلو گندم در مقابل ده کیلو گندم به فروش می رسد ولی مبیع به جای ده کیلو، نه کیلو می باشد. اینجا کم فروشی باعث می شود که ربا رخ دهد. برای بررسی حکم این صورت نیز باید بین مبیع کلی و عین شخصی، فرق گذاشت.

۱. کم فروشی مال ربوی به صورت کلی

گاهی مورد معامله، مال کلی است. نظیر اینکه شخص ده کیلو گندم کلی را به ده کیلو گندم کلی دیگر می فروشد. (مثلاً گندم نوید را به گندم جهادی، معاوضه می کنند) ولی فروشنده در مقابل تطبیق کلی بر مصداق و تحویل مبیع، نه کیلو به خریدار تسلیم می کند. در این صورت، چون توافق بر مقدار مساوی بوده (ده کیلو در مقابل ده کیلو) لذا ربا رخ نداده است و

۳۲. خوئی، مصباح الفقاهه، ۲۴۵/۱.

۳۳. لاری، التعلیقه علی المکاسب، ۱۰۷/۱؛ طباطبائی قمی، عمدة المطالب فی التعلیق علی المکاسب، ۱۷۹/۱.

معامله از این جهت، مشکلی ندارد. ولی به دلیل کم فروشی و تسلیم نشدن مقداری از مبیع و تعهد فروشنده، فروشنده نسبت به مقداری که کمتر از مورد توافق تسلیم کرده است، ضامن بوده و ذمه اش مشغول است.^{۳۴}

۲. کم فروشی مال ربوی به صورت عین معین

گاهی مورد معامله، عین خارجی است. نظیر اینکه شخص یک کیسه گندم مشخص را که ۱۰ کیلو گندم دارد به یک کیسه گندم مشخص ده کیلویی می فروشد و بعد از معامله مشخص می شود که مبیع، کسر داشته و به جای ده کیلو گندم، مثلاً نه کیلو داشته است. در این صورت آیا قرارداد صحیح است یا خیر؟ در پاسخ به این سوال، برخی از محققین، بدون تفکیک بین اینکه مقدار به عنوان شرط در معامله لحاظ شده و یا وصف و به خاطر ربوی شدن معامله، حکم به بطلان معامله داده اند.^{۳۵} ولی حق این است که باید بین این دو فرق گذاشت؛ چرا که گاهی برای مبیع شرط مقدار می شود و گاه وصف مقدار؛ هر یک از این دو صورت به طور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد:

اول: شرط بودن مقدار

گاهی برای مبیع، شرط مقدار می شود؛ بدین معنا که گاهی برای مبیع، شرط مقدار می شود مثل اینکه فروشنده کیسه گندم موجود را به شرطی که ده کیلو باشد در مقابل کیسه ده کیلویی خریدار می فروشد. حال چنانچه معلوم شود که بعد از عقد، مقدار مبیع صرفاً نه کیلو بوده است، در این صورت، برخی معتقدند که معامله صحیح است ولی طرف متضرر خیار تخلف شرط دارد.^{۳۶} با وجود این، به نظر می رسد، در این صورت، عقد باطل باشد؛ زیرا تخلف شرط، باعث برهم خوردن تعادل عوضین شده و چون عوضین، ربوی است، لذا قرارداد به خاطر ربوی بودن، باطل است.^{۳۷}

دوم: وصف بودن مقدار

گاهی برای مبیع، وصف مقدار می شود؛ بدین معنا که گاهی برای مبیع، مقداری ذکر می شود و هدف از آن، این است که مقدار، وصف مبیع باشد. در مواردی که مقدار، به عنوان وصف در مبیع، لحاظ می شود، برخی از محققین بدون تفصیل بین صور مختلف مساله حکم به بطلان آن داده اند^{۳۸} ولی حق این است که مساله سه حالت پیدا می کند؛ چرا که هدف طرفین گاه تعلیق است و گاه تشریط و گاه توزیع است.

۱. تعلیق بودن وصف مقدار

در مواردی که مقدار مبیع به عنوان وصف در قرارداد لحاظ می شود، گاه هدف طرفین تعلیق قرارداد است؛ یعنی گویا

۳۴. انصاری، مکاسب، ۱۹۹/۱؛ مامقانی، غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، ۷۵/۱؛ لاری، التعلیقة علی المکاسب، ۱۰۶/۱؛ خویی، مصباح الفقاهة، ۲۴۴/۱.

۳۵. انصاری، مکاسب، ۱۹۹/۱؛ مامقانی، غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، ۷۵/۱.

۳۶. لاری، سید عبدالحسین، التعلیقة علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳۷. ایروانی، علی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۲۳؛ خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳۸. لاری، سید عبدالحسین، التعلیقة علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۰۶.

طرفین توافق کرده اند که اگر کیسه موجود، ده کیلو باشد، قرارداد واقع شود. در این صورت، قرارداد به دو دلیل، محکوم به بطلان است. اول اینکه این قرارداد، تعلیق در انشا است و تعلیق در انشا، باعث بطلان عقد می شود.^{۳۹} جهت دیگر این است که قرارداد به خاطر بر هم خوردن توازن عوضین، ربوی شده است و لذا باطل است.

۲. تشریط بودن وصف مقدار

در مواردی که مقدار مبیع، به عنوان شرط در قرارداد لحاظ می شود و هدف طرفین آن است که مقدار به عنوان شرط لحاظ شده باشد. یعنی فروشنده اعلام کرده است کیسه موجود به شرطی که ده کیلو باشد را به کیسه گندم خریدار می فروشد و بعد از عقد مشخص می شود که کیسه مبیع، حاوی نه کیلو بوده است. در این صورت، به نظر می رسد به علت به هم خوردن تعادل عوضین و ربوی شدن معامله، عقد باطل خواهد بود.^{۴۰}

۳. توزیع بودن وصف مقدار

در مواردی که مقدار مبیع به عنوان وصف در قرارداد لحاظ می شود، گاه هدف طرفین، توزیع ثمن بر مبیع است. در این صورت به نظر می رسد، قرارداد نسبت به مقدار موجود از مبیع (نه کیلو) عقد صحیح باشد و نسبت به مقدار کسری مبیع (یک کیلو) بیع از اساس باطل باشد.^{۴۱}

۴- اعتبار سنجی معامله برای کم فروشی

گاهی خود تطفیف و کم فروشی موضوع عقد و متعلق آن است. نظیر اینکه شخصی با دیگری قرارداد اجاره منعقد کرده تا اینکه، مستاجر، کم فروشی کند. این مورد خود به دو صورت قابل تصور است؛ چرا که تطفیف و کم فروشی گاه شرط در عقد است و گاه خود موضوع عقد.

۴-۱ شرط بودن کم فروشی

گاهی متعلق قرارداد، نفس کم فروشی نیست بلکه کم فروشی به عنوان شرط در عقد درج می شود مثل اینکه ماجر با شخصی قرارداد اجاره شخص می بندد و شرط می کند که مستاجر در فعالیت خود، اقدام به کم فروشی کند. مثلاً آقای الف مغازه زعفران داشته و با کارگری، قرارداد اجاره منعقد می کند و شرط می کند که کارگر در معاملاتی که انجام می دهد، کم فروشی کند. در این صورت به نظر می رسد، خود قرارداد صحیح است ولی شرط (شرط تطفیف) باطل و بلااثر باشد؛ چرا که

^{۳۹} خویی، سیدابوالقاسم، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۴۵؛ طباطبایی قمی، سیدتقی، عمدة المطالب فی التعلیق علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۷۹.

^{۴۰} طباطبایی قمی، سیدتقی، عمدة المطالب فی التعلیق علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۷۹.

^{۴۱} انصاری، مرتضی، مکاسب، ج ۱، ص ۲۰۰؛ مامقانی، محمدحسن، غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۷۵؛ شیرازی، میرزا محمدتقی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۶۸؛ خویی، سیدابوالقاسم، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۴۶؛ طباطبایی قمی، سیدتقی، عمدة المطالب فی التعلیق علی المکاسب، ج ۱، ص ۱۷۹.

شرط، شرط نامشروع بوده و شرط نامشروع باطل و بلاثر است. البته اگر کسی بر این اعتقاد باشد که فساد شرط به عقد سرایت می‌کند، در این صورت عقد اجاره نیز باطل خواهد بود.^{۴۲}

۲-۴ موضوع عقد بودن کم فروشی

گاهی خود کم فروشی و تطفیف، موضوع قرارداد می‌باشد. نظیر اینکه شخص دیگری را جهت کم فروشی و تطفیف اجاره می‌کند. در این صورت، برخی معتقدند معامله صحیح است؛^{۴۳} چرا که صرف کم فروشی و تطفیف، عمل حرامی نیست تا اگر موضوع قرارداد قرار گیرد، آن قرارداد باطل باشد؛ بلکه در باب کم فروشی، آنچه حرام است عبارت است از تضييع حق غير وعدم وفای حق غیر به طور کامل.^{۴۴}

با وجود این به نظر می‌رسد، قرارداد به واسطه نامشروع بودن موضوع، باطل است؛ چرا که تطفیف و کم فروشی، حرمت نفسی دارند. و لذا هرگاه موضوع عقدی قرار گیرد، این عمل (انجام مورد معامله) به واسطه نامشروع بودن، فاقد مالیت باشد. چرا که عمل در صورتی مالیت دارد که علاوه بر قابل تخصیص بودن و منفعت عقلایی داشتن، دارای منفعت مشروع نیز باشد.^{۴۵} برخی در تایید این حکم گفته اند اجاره برای تطفیف نظیر اجاره نفس برای انجام سایر اعمال حرام، باطل است.^{۴۶}

نتیجه گیری

از متون فقهی استفاده می‌شود که یکی از شرایط صحت قرارداد، حلال بودن فعل مورد معامله است. از این رو، اگر فعل موضوع قرارداد، عمل حرامی باشد، قرارداد باطل خواهد بود. یکی از اعمالی که در خصوص صحت و بطلان آن، تردید وجود دارد، تطفیف است. در مواردی که خود تطفیف و کم فروشی، موضوع عقد قرار می‌گیرد بدون تردید معامله باطل خواهد بود ولی در مواردی که معامله ای انشا می‌شود ولی در ضمن آن، یکی از طرفین اقدام به تطفیف و کم فروشی می‌کند، در این صورت، باید بین صور مختلف فرق گذاشت. به نظر می‌رسد، در تمامی مواردی که عقد به صورت کلی فی الذمه و یا کلی فی المعین انشا می‌شود ولی متعهد قراردادی هنگام اجرای تعهد، اقدام به کم فروشی می‌کند، در این صورت، معامله صحیح است ولی متخلف، ضامن مقداری است که کم فروشی کرده است. اما در مواردی که موضوع قرارداد، عین معین باشد، در این صورت، اگر مقدار به صورت شرط ملحوظ طرفین بوده است، عقد صحیح ولی متضرر، خیار تخلف شرط خواهد داشت مگر اینکه معامله نسبت به اشیای ربوی باشد که در این صورت، عقد به خاطر ربوی شدن، باطل خواهد بود. ولی در مواردی که مقدار به عنوان وصف یکی از عوضین در قرارداد، ملحوظ است، در این صورت اگر هدف طرفین تعلیق باشد، عقد باطل و اگر تشریط باشد در کالای غیر ربوی، عقد صحیح و در کالای ربوی، عقد باطل بوده و در مواردی توزیع ثمن بر مبیع، بیع نسبت به مقدار

^{۴۲} .ایروانی، علی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۲۳.

^{۴۳} .ایروانی، علی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۲۳.

^{۴۴} .ایروانی، علی، حاشیة المکاسب، ج ۱، ص ۲۳.

^{۴۵} .یزدانی، غلامرضا، حقوق اموال، ص ۳۶؛ جعفر لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، ص ۵۴.

^{۴۶} .خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۲۴۴؛ منتظری، حسینعلی، دراسات في المكاسب المحرمة، ج ۳، ص ۱۴.

موجود صحیح و نسبت به مقدار کسری، باطل خواهد بود. از این رو با توجه به اینکه قانون مدنی در این خصوص، مقرر ای ندارد، پیشنهاد می شود موارد زیر به قانون مدنی اضافه شود:

۱— هرگاه معامله ای به منظور کم فروشی منعقد شود، قرارداد باطل است. مگر اینکه کم فروشی به عنوان شرط ضمن معامله، مورد توافق قرار گیرد که در این صورت، عقد صحیح ولی شرط باطل خواهد بود.

۲— هرگاه در حال معامله، مبیع از مقدار معین بوده ولی وقت تسلیم کمتر از آن درآید، اگر بیع به نحو کلی بوده باشد، عقد صحیح است و متخلف، ضامن ما به التفاوت است و اگر بیع به نحو عین معین بوده باشد در این صورت، اگر مقدار شرط یکی از عوضین بوده است، متضرر خیار تخلف شرط خواهد داشت و اگر مقدار، وصف یکی از عوضین بوده باشد، متضرر خیار تخلف وصف خواهد داشت. مگر اینکه اراده طرفین بر توزیع ثمن بر مبیع بوده باشد که در این صورت، بیع نسبت به مقدار موجود صحیح و نسبت به مقدار کسری، باطل خواهد بود.

تبصره: در مواردی که موضوع قرارداد کالای ربوی باشد و بیع به نحو عین معین بوده باشد، در صورتی که یکی از عوضین کمتر از مقدار مقرر درآید، بیع باطل خواهد بود.

فهرست منابع

ابن ادریس، محمد بن منصور. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

ابن براج، قاضی. المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

ابن فارس، معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۰۴. اردبیلی، احمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

اصفهانی، سید ابو الحسن. وسیلة النجاة مع حواشی الامام الخمینی. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره. چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

انصاری، مرتضی. کتاب المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری ره. چاپ اول، ۱۴۱۵ق. ایروانی، علی. حاشیة المکاسب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

بحرانی، یوسف. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.

تبریزی، جواد. إرشاد الطالب إلى التعليق على المکاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ۱۴۱۶ق.

حلبی، الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المومنین ع. ۱۴۰۳ق.

حکیم، سید محسن. منهاج الصالحین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

حکیم، سید محمد سعید. منهاج الصالحین. بیروت: دار الصفوة. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

خمینی، سید روح الله. تحرير الوسيلة. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم. چاپ اول، بی تا.
 خوانساری، الحاشية الأولى على المكاسب. بی جا. بی نا. بی تا.
 خوانساری، الحاشية الثانية على المكاسب. بی جا. بی نا. بی تا.
 خوئی، سید ابوالقاسم. مصباح الفقاهه. بی جا. بی نا. بی تا.
 خوئی، موسوعة الامام الخوئی. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی ره. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
 راوندی، قطب الدین. فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی ره. چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
 سیوری، مقداد. تنقیح الرائج لمختصر الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی ره. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
 شهید اول، محمد بن مکی. الدروس الشرعية في فقه الإمامية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
 شهید اول، محمد بن مکی. غاية المراد في شرح نكت الإرشاد. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
 شهید اول، محمد. اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية. بیروت: دارالتراث. چاپ اول، ۱۴۱۰ق. ۱۰۳.
 شهید ثانی، زین الدین. حاشية الإرشاد. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
 شهید ثانی، زین الدین. الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: کتابفروشی داوری. ۱۴۱۰ق.
 شهید ثانی، زین الدین. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: موسسه المعارف الاسلامیه. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
 صدوق، ابن بابویه. الأمالی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۳.
 صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۴.
 طباطبائی قمی، عمدة المطالب في التعليق على المكاسب. قم: کتابفروشی محلاتی. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
 طوسی، محمد بن حسن. النهایه في مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الكتاب العربي. چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
 عاملی، سید جواد. مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
 علامه حلی، حسن بن یوسف. إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
 علامه حلی، حسن بن یوسف. تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: موسسه امام صادق ع. چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
 علامه حلی، حسن بن یوسف. تذكرة الفقهاء. قم: موسسه آل البيت ع. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
 علامه حلی، حسن بن یوسف. قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
 کاشف الغطاء، انوار الفقاهه؛ کتاب المكاسب. نجف: موسسه کاشف الغطاء. ۱۴۲۲ق.

- كاشف الغطاء، شرح الشيخ جعفر على قواعد العلامة. بی جا: موسسه كاشف الغطاء، ۱۴۲۰.
- كركى، محقق ثانى. جامع المقاصد في شرح القواعد. قم: موسسه آل البيت ع. چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- كلينى، الكافي. تهران: دارالكتب الاسلاميه. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- لارى، سيد عبد الحسين. التعليقة على المكاسب. قم: موسسه المعارف الاسلاميه. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- مامقانى، محمد حسن. غاية الآمال في شرح كتاب المكاسب. قم: مجمع الذخائر الاسلاميه. چاپ اول، ۱۳۱۶ق.
- مكارم شيرازى، أنوارالفقاهة: كتابالتجارة. قم: انتشارات مدرسه امام على ع. چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- محقق اول، جعفر بن حسن. شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعيليان. چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- محقق اول، جعفر بن حسن. نكت النهاية. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- محقق اول، جعفر بن حسن. المختصر النافع في فقه الإمامية. قم: مؤسسة المطبوعات الدينية. چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
- منتظري، دراسات في المكاسب المحرمة، قم: نشر تفكر. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- مفيد، محمد بن نعمان. المقنعه. قم: كنز جبهانی هزاره شيخ مفيد. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- نجفى، محمد حسن. جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام. بيروت: دار احياء التراث العربى. چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
- يزدانى، غلامرضا. حقوق اموال. تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۷ش.
- يزدى، سيد محمد كاظم. حاشية المكاسب. قم: موسسه اسماعيليان. چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.